

مطالعه‌ی پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج

(از دیدگاه زنان راضی از ازدواج)

فرشاد محسن زاده*

سمیرا مرادی کوچی**

جواد خدادادی سنگده***

چکیده

تعیین عوامل رضایت‌مندی زناشویی از اهداف مهم پژوهش‌گران حوزه‌ی ازدواج بوده است. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی کیفی دلایل رضایت‌مندی زنانی بود که از رابطه‌ی زناشویی خود رضایت داشتند. بدین منظور ۲۱ نفر از زنان واجد با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته مطالعه شدند. تحلیل کیفی مصاحبه‌ها به پیدایش پنج مضمون از عوامل رضایت‌مندی انجامید که عبارت‌اند از: ویژگی‌های فردی همسر (نظیر وفاداری، صداقت)، ویژگی‌های رابطه‌ای (نظیر فضائل رابطه‌ای و تصمیم‌گیری اشتراکی)، والد شدن، مدیریت مالی و رابطه‌ی مناسب با خویشاوندان و آشنایان. علی‌رغم اینکه بیشتر یافته‌ها در پژوهش‌های پیشین هم اشاره شده است، ویژگی متمایز یافته‌های پژوهش حاضر، نقش پررنگ فضیلت‌های فردی و رابطه‌ای در ایجاد رضایت زناشویی است که به دلیل غلبه‌ی مفاهیم مهارت‌محور و نگاه آسیب‌شناسانه به روابط زناشویی، توجه و تأکید کمتری به آن شده است.

واژگان کلیدی

رضایت زناشویی، تجارب زنان، زنان با ازدواج موفق، مطالعه کیفی، پدیدارشناسی.

*- عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی تهران farshadm56@gmail.com
**- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه خوارزمی تهران moradisami@gmail.com
***- دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی

۱- مقدمه و بیان مسئله

رضایت از زندگی به عنوان بخشی محوری از کیفیت زندگی با رضایت از ازدواج، رابطه‌ی مثبت و قوی دارد (Ulker, 2008:199-213؛ Stoeber & Stoeber, 2009: 530-533). کیفیت رابطه‌ی زناشویی، زیربنایی را شکل می‌دهد که کارکرد آتی کل خانواده و سلامت جسمانی و روانی اعضا روی آن بنا می‌شود. بر این اساس، مهم‌ترین ملاک تعیین‌کننده‌ی خانواده‌ی سالم، رضایت و خرسندی زوج از ازدواج است (Greeff & Malherbe, 2001: 247-). (257)

خرسندی از رابطه‌ی زوجی با سطوح بالای سلامت عمومی زن و شوهر و سایر اعضای خانواده همراه است (Waite & Gallagher, 2000:70) و از سوی دیگر، ناخرسندی از این رابطه با پریشانی‌های روانی، سلامت عمومی پایین، ضعیف بودن سیستم ایمنی بدن، برانگیختگی قلبی-عروقی و افزایش تنش همراه است (Gottman & Notarius, 2002: 156-197). حمایت‌های دریافت شده از سایر منابع نمی‌توانند فقدان حمایت از رابطه‌ی زوجی را جبران کنند. زمانی که حمایت همسر به حساب آورده می‌شود، حمایت سایر افراد و منابع حمایتی نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی و درماندگی فرد ایفا نمی‌کند (Brock & Lawrence, 2008: 11-20). با توجه به این مهم و تاثیر همه جانبه‌ی کیفیت رابطه‌ی زوجی، تشکیل خانواده سالم و موفق تقریباً برای همه‌ی افراد جامعه هدفی مهم، اساسی و در اولویت است (Myers, Madathil & Tingle, 2005: 183-190). برای نمونه وایت و گالگر در مطالعه‌ی خود نشان دادند

مطالعه‌ی پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج

که برای ۹۳ درصد افراد، داشتن ازدواج موفق و بنای خانواده سالم و کارآمد از اساسی‌ترین اولویت و اهداف زندگی است (Waite & Gollagher, Ibid). نارضایتی و سرخوردگی از رابطه‌ی زوجی با بروز انواع پیامدهای آسیب‌زا همچون پیمان‌شکنی (Long & Yong, 2007: 257)، خشونت (Fallu & et al, 2010: 1074-1082)، مصرف مواد، سیگار و الکل (Dols & et al, 2012: 2024-2029) و بروز مشکلات متعدد روانی (Nargiso & al, 2012: 310-318) در بین زوج و سایر اعضای خانواده همراه است. بر این اساس در دهه‌های اخیر، پژوهشگران بسیاری کوشیده‌اند تا مشخص کنند که چه عواملی بین ازدواج‌های شاد و ناشاد، تمایز قائل می‌شوند (Hal, 2006: 1437-1458; Kaslow & Robison, 1996: 153-170).

آنچه به صورت کلی مشخص شده، این است که درک کیفیت ازدواج، مستلزم درک چگونگی کمک همسران به همدیگر در کنار آمدن با مشکلات شخصی و استرس‌هاست و رضایت از ازدواج از طریق درک مشترک از مباحث، تشریک مساعی، تداوم صمیمیت و تحقق انتظارات از زندگی مشترک مشخص می‌شود (Schramm & et al, 2012: 1567-1571). با این حال، نکته‌ی مهم این است که عوامل اثرگذار در خشنودی و رضایتمندی از رابطه‌ی زوجی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (Hunler & Gencoz, 2005: 123-136). از مهم‌ترین عواملی که فرآیندها و پیامدهای زناشویی را متأثر می‌سازد و توجه ویژه‌ای نیز از طرف پژوهشگران دریافت کرده، اثرات فرهنگی است. ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی علاوه بر اینکه دیدگاه

افراد نسبت به خودشان را شکل می‌دهند (Markus, & Kitayama, 1991: 224-253)، به دیدگاه آنها به عشق و صمیمیت و شکل‌دهی روابط نزدیک نیز جهت می‌دهند (Dion & Dion, 1993: 53-69).

مطالعات بین فرهنگی عشق و صمیمیت حاکی از این است که بین فرهنگ‌های جمع‌گرا و فردگرا تفاوت‌هایی وجود دارد؛ برای مثال کامو رضایت زناشویی در ژاپن و آمریکا را بررسی کرده و دریافت که رفاقت زن و شوهر، در هر دو فرهنگ با رضایت زناشویی مرتبط بود (Kamo, 1993: 551-568). با این حال، درآمد همسر فقط در بین ژاپنی‌ها با میزان رضایت زناشویی مرتبط بود. این تفاوت‌های فرهنگی به تأکید بیشتر ژاپنی‌ها بر جنبه‌های ابزاری ازدواج نسبت داده شد که نشانگر یک سازه‌ی فرهنگی از ازدواج به عنوان «نهادی برای حمایت مالی» است. بر این اساس، مطالعات رضایت زناشویی باید در بافت فرهنگی-اجتماعی انجام شود. به علاوه، اغلب پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور با رویکرد کمی و عمدتاً با ابزارهای فاقد حساسیت فرهنگی انجام شده‌اند.

تأثیر بافت فرهنگی-اجتماعی در رضایت زناشویی از طریق تأثیر در یادگیری‌ها، ادراکات، انتظارات و نگرش‌های افراد درباره‌ی رابطه‌ی زناشویی انجام می‌شود. از آنجا که ادراکات و برداشت‌های افراد از رابطه است که تا حد زیادی میزان رضایت زناشویی آنها را تعیین می‌کند، لازم است در مطالعه‌ی رضایت زناشویی به جای اتخاذ رویکرد اثبات‌گرایانه که پژوهشگر را در اولویت قرار می‌دهد بر دیدگاه مطالعه شونده‌گان بیشتر تمرکز شود.

پژوهش پدیدارشناسی که با تفاوت‌های کیفی تفکر یا تجربه‌ی افراد درباره‌ی یک پدیده‌ی خاص سروکار دارد، روش مناسبی برای مطالعه‌ی دلایل رضایت زناشویی است (Frost, 2011: 57-60). بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی دلایل رضایت از ازدواج از دیدگاه زنان بوده است.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

در ازدواج موفق، زوجین به ارزش‌ها و اصول همدیگر از صمیم قلب احترام می‌گذارند، علایق متقابل دارند، نسبت به یکدیگر احساس تعهد می‌کنند و با همدیگر همکاری دارند (Parker & et al, 1995: 131-145). نتایج پژوهش کیفی کاسلو و رایسون نیز با زوجینی که سال‌ها از ازدواجشان می‌گذشت، نشان داد که عوامل اصلی رضایت از ازدواج عبارت‌اند از: دوست داشتن و دوست داشته شدن؛ اعتماد متقابل؛ احترام متقابل؛ حمایت متقابل؛ عقاید مذهبی مرتبط؛ وفاداری؛ بده بستن متقابل؛ فلسفه و دیدگاه مشابه در زندگی؛ لذت بردن از سرگرمی‌های مشترک و در نهایت علایق مشترک (Kaslow 1996: 153-170). در مطالعه‌ای مشابه دیگر، پتی رضایت از ازدواج را سطح ادراک شده‌ی خرسندی و حمایت تجربه شده توسط زوج تعریف می‌کند و معتقد است، اگر بتوان عوامل پیش‌بینی رضایت زناشویی را مشخص کرد، می‌توان به زوج‌ها برای رسیدن به سطح بالایی از رضایت کمک کرد (Patty, 2010: 1080-1107). پژوهش‌های متعددی درباره‌ی عوامل مؤثر در رضایت از ازدواج انجام شده که در جدول شماره‌ی ۱ به اختصار به برخی از یافته‌های آنها اشاره می‌شود.

جدول ۱: چکیده‌ی یافته‌های پژوهش‌های مربوط به عوامل رضایت از ازدواج

یافته‌ها	پژوهش
دوستی و عشق، زمینه و علایق مشترک، تعهد، آزادی برای دنبال کردن اهداف، شناخت قبلی خوب، احترام، ارزش‌های مشابه، آگاهی از احساسات فرد مقابل، حمایت، پذیرش و تحمل، توافق مذهبی، رابطه‌ی جنسی خوب، اعتماد متقابل فرزندان، وفاداری، همسر، همکاری و بخشش، دیگری را ترجیح دادن	باچند و کارون ^۱
تعهد، ارتباط، ارزش‌های مشترک، عضویت، صمیمیت، و خانواده	بویکین ^۲
دید درست از روابط و مهارت حل کردن مشکلات	مک‌نولتی و کارنی ^۳
زندگی نکردن با خانواده اصلی زوجین، درک همسر، روابط نزدیک و صمیمانه زوجین، قدرت خانوادگی مشترک، سازگاری، رضایت‌جنسی، و حمایت اجتماعی.	دانگ و شیائو ^۴
با هم بودن، فرزندان، نگرش به تعهد، نگرش به احترام، نگرش به شوخی، مرتبط بودن، حمایت و حس امنیت	نیمتز ^۵
مشابهت فرقه‌های مذهبی، رضایت، توافق (سازش)، عشق، حمایت (توجه)، اعتماد و درک، فرزندان، ارتباط، فاصله سنی، صمیمیت و احترام، بخشش، خلق و خوی همسر، ساختار خانواده و رابطه با خویشاوندان، و آموزش و موقعیت اجتماعی.	فاطمیما و اجمل ^۶
انتظارات زناشویی، پویایی‌های زوجین و عوامل سیستمی	چن و لیم ^۷

- 1-Bachand, & Caron, 2001: 105-121
- 2- Boykin, 2004:
- 3- McNulty & Karney, 2004: 103-114
- 4- Dong & Xiao, 2010: 97-101
- 5- Nimtz, 2011
- 6- Fatima & Ajmal, 2012: 37-42
- 7- Chen & Lim, 2012: 149-160

اگرچه در ایران هم پژوهش‌های فراوانی در حوزه عوامل مؤثر در رضایت زناشویی وجود دارند، اما قسمت اعظم آنها با رویکرد کمی انجام شده‌اند. چنان که اشاره شد، مسائل فرهنگی در این رویکرد تا حد زیادی مغفول مانده‌اند؛ لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است زنانی که ازدواج خود را موفق و شاد می‌دانند چه عواملی را در موفقیت و شادی ازدواج خویش دخیل می‌دانند؟

۳- روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است که با توجه به هدف مطالعه و دست‌یابی به تجارب زیسته‌ی افراد، از روش پدیدارشناسی استفاده شد. در این روش، تأکید اصلی بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش به عنوان منبع اصلی داده‌های پژوهشی است. جامعه‌ی پژوهش شامل زنانی بود که رضایت بالایی از ازدواج خود داشتند. معیار ورود به پژوهش عبارت بودند از اینکه حداقل ۵ سال از ازدواج آنها گذشته باشد، به صراحت اذعان داشته باشند که تجربه‌ی رضایت از ازدواج را دارند و اینکه بتوانند عوامل دخیل در این رضایت را بیان کنند.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته و عمیق بود و جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع داده‌ها ادامه یافت که در پایان تعداد شرکت‌کنندگان در پژوهش به ۲۱ نفر رسید. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش در پاسخ به این سؤال که "شما که از ازدواج خود رضایت دارید چه عواملی را باعث این رضایت می‌دانید؟" موارد زیادی را بیان کردند.

در این تحقیق مصاحبه‌ها به صورت عمیق، در یک جلسه با هماهنگی انجام شد. هماهنگی قبلی و توضیحات اولیه به شرکت کنندگان اجازه می‌داد که در مورد موضوع پژوهش فکر کنند و کلیه‌ی عواملی که به نظرشان در رضایت از ازدواج دخیل است در جلسه‌ی مصاحبه ذکر کنند. برای جلوگیری از دخالت سوگیری پژوهشگر سعی شد در جلسه‌ی مصاحبه، سؤالاتی که دلیل بر کنجکاوی و اعمال نظر محقق است، پرسیده نشود. هر مصاحبه با طرح سؤال کلی شروع شده و با یک چارچوب ملایم و انعطاف‌پذیر تعقیب می‌شد. در روند مصاحبه از سؤالات کاوشی مانند "ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید؟" و یا «ممکن است منظور خود را روشن کنید؟» برای دستیابی به داده‌های بیشتر استفاده می‌شد. شرکت کنندگان نیز در پاسخ به این سؤالات تجربیات خود را در میان گذاشتند. در پایان هر مصاحبه، مطالب ذکر شده برای مصاحبه شونده خلاصه و جمع‌بندی می‌شد تا چنانچه برداشت مصاحبه کننده با نظر مصاحبه شونده مغایرتی داشت یا مصاحبه شونده قصد اصلاح یا تکمیل گفته‌هایش را داشت آن را بیان کند. برای تحلیل داده‌ها از رویه‌ی چهار مرحله‌ای توصیف شده به وسیله فراست استفاده شد. در مرحله‌ی اول، متن مصاحبه‌ها به دفعات مطالعه می‌شود تا پژوهشگر آشنایی کاملی با داده‌ها پیدا کند. در حین مطالعه‌ی متن، یادداشت‌هایی که از تأمل در متن نشئت می‌گیرند نوشته می‌شود. در مرحله‌ی دوم، پژوهشگر متن را دوباره مطالعه می‌کند، اما این بار با هدف شناسایی و استخراج موضوعات به شکلی مشخص‌تر. در مرحله‌ی سوم، موضوعات

استخراج شده از نظر مفهومی بررسی و خوشه‌بندی می‌شوند. هدف این مرحله یافتن الگوهایی در موضوعات به منظور ایجاد ساختاری است که در نشان دادن ایده‌ها و مفاهیم همسو مفید است. در نهایت در مرحله‌ی چهارم، جدول موضوعات اصلی و فرعی همراه با استناد به متن مصاحبه و مشخص کردن شماره‌ی صفحه و سطر مطالب استناد شده تهیه می‌شود که در ارائه‌ی گزارش نهایی یافته‌ها کاربرد دارد. درباره‌ی رعایت اصول اخلاقی پژوهش، قبل از مصاحبه توضیحات لازم در مورد پژوهش به شرکت‌کنندگان داده شد و پس از کسب رضایت آنها، نسبت به حق انصراف و محرمانه بودن همه‌ی مشخصات در کل فرایند پژوهش به ایشان اطمینان داده شد. همچنین کلیه‌ی مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص شده و در مکانی خلوت و بدون حضور فرد دیگری انجام شد.

اعتبار پژوهش: اعتبار در پژوهش پدیدارشناختی به این موضوع اشاره دارد (Dahl & Boss, 2005:79) که پژوهشگر تا چه اندازه توانسته واقعیت‌ها یا حقایق ابراز شده‌ی مطالعه شوندگان را به درستی منعکس کند. برای واری این ملاک ارزیابی از دو روش استفاده شد؛ اول، با استفاده از فن واری عضو، که طی آن برداشت‌های پژوهشگر با مصاحبه‌شونده در میان گذاشته می‌شد تا صحت و سقم آنها مشخص شود. دوم، داده‌ها توسط دو تحلیل‌گر تحلیل شدند تا اثرات برداشت‌ها و سوگیری‌های شخصی به حداقل برسد.

۴- یافته‌های پژوهش

گستره‌ی سنی زنان شرکت کننده در پژوهش ۲۶ تا ۴۷ سال با میانگین سنی ۳۲/۷۲ سال و گستره‌ی مدت ازدواج آنها از ۵ سال تا ۳۰ سال با میانگین ۱۰/۵۴ سال بود. تحلیل و مقوله‌بندی توصیفات شرکت کنندگان به شناسایی ۵ مضمون اصلی منجر شد که در جدول شماره‌ی ۳ نشان داده شده است. برخی از این عوامل با عوامل دیگر پژوهش‌ها مشترک بودند و برخی دیگر توجه چندانی در پژوهش‌های پیشین دریافت نکرده‌اند.

جدول ۲. مضامین اصلی و مضامین فرعی مربوط به دلایل رضایت از ازدواج

مضامین اصلی	مضامین فرعی
ویژگی‌های همسر	وفاداری، توانمندی و تدبیر، مذهبی و با ایمان بودن، مسئولیت‌پذیری، صداقت، مقبولیت، زمینه‌سازی برای رشد و پیشرفت همسر
ویژگی‌های رابطه‌ای	فضائل رابطه‌ای
	همسانی
	رضایت جنسی
	حل تعارض
	تصمیم‌گیری مستقلا نه و اشتراکی
والد شدن	حضور بچه، همکاری و مشارکت
مدیریت مالی و اقتصادی	وحدت مالی و برنامه‌ریزی مناسب مالی
روابط با اقوام و آشنایان	رابطه‌ی مناسب با خانواده‌ی اصلی و رابطه‌ی مثبت با اقوام

۴-۱- ویژگی‌های همسر

طبق گزارش مصاحبه‌ها، یکی از عوامل مهم رضایت زنان از ازدواج، ویژگی‌های مثبت همسر بود. این ویژگی‌ها بیشتر مفاهیمی بودند که می‌توان با عنوان فضیلت‌های فردی از آنها یاد کرد. شوهران زنان رضایتمند آنهایی هستند که قابل اعتمادند؛ نه تنها از نظر وفاداری و رازداری، بلکه از منظر توانمندی و تدبیر. خدامحوری در رفتارشان نمود دارد؛ واجبات دینی را بجا می‌آورند، اولویت زندگی را در مادیات و نفسانیات نمی‌بینند و زندگی کم‌فشاری برای خانواده‌ی خود تدارک می‌بینند. مسئولیت‌پذیر و متعهد به خانواده و همسر هستند؛ حداکثر تلاش خود را برای تأمین رفاه خانواده‌ی خویش به کار می‌بندند، گوشه‌چشمی به نیازهای خانواده دارند و برای ارضای آنها پیشقدم می‌شوند. با همسر خود صادق هستند. نوعدوستی در رفتارشان نمود دارد؛ هم به اطرافیان کمک می‌کنند و این به مقبولیت آنها از دیدگاه دیگران می‌انجامد، هم زمینه را برای رشد و پیشرفت همسر خود مهیا می‌کنند. در ادامه به خاطر رعایت اختصار نوشتار به نقل قول‌هایی کوتاه از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌شود.

● وفاداری: «شوهر من آدمیه که چشمش پاکه. من واقعاً می‌دونم. اطمینان خاطر دارم ازش که ... اگه سر کارشه اگه بیرونه جایی هست که من پیشش نیستم خیالم از این بابت راحت، استرس ندارم که چشمش ناپاکه. بهش ایمان دارم که شخصیتی نیست که بخواد به من خیانت کنه و این برام خیلی مهمه» (خانم ۳۰ ساله، مدت ازدواج ۱۰ سال).

● **رازداری:** «وقتی بهش می‌گم این حرفو به کسی نگو دیگه مطمئنم که بین خودمون می‌مونه. من راحت همه‌ی حرفامو با شوهرم می‌زنم حتی ریزترین مسئله... من تو روز خواستگاری تونستم اعتماد کنم باهاش همه‌ی حرفامو بزنم و به این دلیل باهاش ازدواج کردم» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۸ سال).

● **توانمندی و تدبیر:** «همسرم دید بزرگی داره، آدم باهوشیه، خیلی توانمنده، به توانایی‌هاش خیلی اعتقاد دارم، احساس می‌کنم نسبت به خانوادش با رفتاری که داره از همه توانمندتره، خیالم از هر بابت راحت» (خانم ۳۱ ساله، مدت ازدواج ۶ سال).

● **مذهبی و با ایمان بودن:** «همسرم خیلی فرد با ایمانیه و خیلی توکل به خدا داره تو زندگی و این خیلی عامل مهمیه. با توکل به خدا همسرم همون سال اول ارشد قبول شد، سر کار رفت... فکر می‌کنم بیشتر احساس خوشبختی من همینیه باشه که بر اساس دین زندگی می‌کنیم به نظرم آگه زن و شوهرها به این چیزا فکر کنند کمتر نداشته‌هاشونو به سر هم می‌کوبن» (خانم ۲۷ ساله، مدت ازدواج ۵ سال).

«مهم‌ترین عامل فکر می‌کنم اینه که آدم با ایمان و بااخلاقیه و این ایمان و اخلاق توی تک تک رفتارهاش و توی زندگی‌مون تأثیر داشته» (خانم ۲۷ ساله، مدت ازدواج ۵ سال).

● **مسئولیت‌پذیری:** «خیلی خیلی آدم مسئولیت‌پذیریه، اصلاً نیازی نیست بهش بگی فلان چیز تو خونه کمه، برای خونه این وسیله رو نیاز داریم، بچه

مریض شده، در مورد بچمون حواسش هست که به خواسته‌هاش برسه کلاً احساس مسئولیت زیادی داره و این خیلی مهمه» (خانم ۳۱ ساله، مدت ازدواج ۶ سال و نیم).

● **صداقت:** «من موقع خواستگاری فهمیدم که همسرم صداقت داره. شوهرم قبل از من با یه خانم دیگه عقد بوده من اینو از واسطه‌ی بینمون شنیده بودم خیلی به این قضیه فکر کردم... شوهرم موقع خواستگاری گفت که چه چیزی باعث اون قضیه شده من صداقتو خوب می‌دیدم براش سخت بود ولی گفت و به من گفت اگر من ایده آل تو هستم منو انتخاب کن. من از صداقتش خیلی خوشم میاد» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۸ سال).

● **زمینه‌سازی برای رشد و پیشرفت همسر:** «قبل از ازدواج وقتی به زندگای فکر می‌کردم، می‌دیدم دوست دارم درس بخونم و همسرم برای من فراهم کرد که بتونم درس بخونم... همین که براش مهمه که منم موفق بشم، منم پیشرفت داشته باشم، به نظرم بهتر از ایشون نمیتونستم پیدا کنم» (خانم ۳۱ ساله، مدت ازدواج ۶ سال).

● **مقبولیت:** «شوهرمو همه قبولش دارن خیلی خوبه، منم قبولش دارم. همیشه سعی می‌کنه خوب باشه... تو جمع‌هایی که می‌ریم می‌بینم همه قبولش دارن میگن فلانی خوبه مثل شوهر تو. تازه اون موقع حس می‌کنم من اونجوری که کنارشم و باید قدرشو نمی‌دونم» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۸ سال).

۴-۲- ویژگی‌های رابطه‌ای

مقوله‌ی دیگر از عوامل رضایت‌مندی زنان عوامل رابطه‌ای یا ویژگی‌های مثبت رابطه‌ی زن و شوهری بود که در پنج طبقه‌ی فضائل رابطه‌ای، همسانی، رضایت جنسی، تصمیم‌گیری اشتراکی و حل تعارضات به شیوه‌ای مناسب قرار می‌گیرند.

الف- فضائل رابطه‌ای

فضیلت‌های رابطه‌ای به رفتارهایی اطلاق می‌شود که حاکی از نگرش متعالی به روابط انسانی هستند. در این روابط، زن و شوهر، قدردان همدیگر هستند؛ هستی همدیگر را ارج می‌نهند، آن را به طرف مقابل ابراز می‌کنند، و به جنبه‌های مثبت همدیگر می‌پردازند. در این روابط، گذشت وجود دارد؛ طرفین، خطای همدیگر را می‌بخشند و سهم خود از اشتباهات را می‌پذیرند. توقعات معقول و متناسب با شرایط و همدیگر وجود دارد. در نهایت زوجین، رفتار عذوفت‌آمیزی در قبال همدیگر دارند؛ همدیگر را مراعات می‌کنند، مهربانانه رفتار می‌کنند، و دست به اقدام‌های ظریفی می‌زنند که حاکی از علاقه‌ی عمیق و مراقبت از همدیگر است.

● **قدردانی:** «ما مشکل مالی داریم، اما هر وقت فشار بهمون میاد همسرم خیلی بهم آرامش می‌ده. با این حرفش که میگه من نتونستم اون زندگی که تو لیاقتشو داشتی برات فراهم کنم بهم رضایت می‌ده و فکر می‌کنم بیشتر ناشی از اخلاق خوبشه.. هم حس قدردانی داره هم اخلاق خوبی داره...» (خانم ۲۷ ساله، مدت ازدواج ۵ سال).

مطالعه‌ی پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج

• گذشت: «ما نسبت به هم گذشت داریم تو مسائلی که با هم داریم. شاید من فکر کنم که خواستم درست نبوده... یا ایشون فکر کنه خواستش بجا نبوده» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۸ سال).

• کم توقع بودن: «ما توقعمون از زندگی کمه... ما سعی می‌کنیم خودمونو با شرایطی که داریم وفق بدیم برا همینم راضی هستیم» (خانم ۳۵ ساله، مدت ازدواج ۱۰ سال).

• رفتار عطف‌آمیز: «ما همو خیلی دوست داریم. شاید دیده نشه چون شوهرم اهل ابراز نیست. اوایل دوست داشتیم بهم توجه کنه به مشکل می‌خوردم که نکنه منو دوست نداره، ولی کم کم فهمیدم تو رفتارش مشخصه. مثلاً بهش می‌گم عصر می‌خوام برم بیرون، از اداره که میاد ماشینو جوری پارک می‌کنه که اذیت نشم این برا من خیلی شیرینه» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۸ سال).

ب- همسانی

یکی از دلایل گزارش شده‌ی رضایت زناشویی، همسانی زوجین از نظر اهداف، اعتقادات و زمینه‌ی خانوادگی بود.

• اهداف: «من دوست دارم به جاهای مهم و بالاتر برسم. شوهرمم همینطور دوست داره... ما خودمونو به هم نزدیک کردیم فکرمون نزدیک به هم است و اهداف بلند مشترکی داریم» (خانم ۳۵ ساله با مدت ازدواج ۱۴ سال).

• **اعتقادات:** «موقع خواستگاری دیدم خیلی از شرایط و ایده‌هاشون به من نزدیکه احساس کردم ما به درد هم میخوریم...از نظر اخلاقی خیلی اخلاقیاتش شبیه خودم هست مثلاً در مورد عقاید مذهبی در مورد مهمونی رفتن در مورد طرز پوشش» (خانم ۳۱ ساله با مدت ازدواج ۶ سال و نیم).

• **زمینه‌ی خانوادگی:** «خانوادش از نظر مالی و فرهنگی شبیه خانواده خودم بود. اختلافی نداشتیم که باعث مشکل بشه» (خانم ۳۱ ساله، مدت ازدواج ۶ سال و نیم).

ج- رابطه‌ی جنسی

رضایت از رابطه‌ی جنسی مفهومی است که از صحبت تعدادی از مصاحبه‌شوندگان استخراج شده است. رابطه‌ی جنسی خوب، اولویت دادن به نیاز و ترجیحات زن در رابطه‌ی جنسی، بیان معیارها و احساسات جنسی، درک شدن توسط شوهر در رابطه‌ی جنسی، صحبت درباره‌ی مسائل جنسی و فقدان تعصب کلیشه‌ای در مورد مسئله‌ی جنسی خانم‌ها از مواردی است که به عنوان دلایل رضایت جنسی گزارش شدند.

• **رضایت از رابطه‌ی جنسی:** «توی مسائل جنسی هم که خیلی مهمه رضایت داریم. راجع بهش صحبت می‌کنیم. همسرم خیلی تعصب نداره که مثلاً خانمم نباید حرفی در این مورد بزنه یا نباید احساسی در این زمینه داشته باشه. تو این زمینه خداروشکر با هم تعامل داریم» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۱۲ سال).

د- حل تعارض

حل تعارضات به شیوه‌ای مناسب نیز به عنوان یکی از عوامل رضایت مندی گزارش شد. هنر سکوت به موقع، طرح مسائل در زمان مناسب، پرهیز از ناگفته گذاشتن مسائل و مشکلات ادراک شده و انباشت تنش تعارض از جمله‌ی مواردی بودند که مصاحبه شونده‌گان به آنها اشاره کردند.

• مدیریت مناسب تعارضات: «چطوری حل کردن مسائل مهمه... همسرم به من می‌گه از فلان رفتار تو ناراحت شدم یا منم بهش میگم ناراحت شدم حلش می‌کنیم، نمی‌ذاریم رو هم جمع بشه تا یه جایی بگیریم به خاطر اون کارت که پارسال انجام دادی یا به خاطر رفتار خانوادت ... همینم باعث می‌شه رضایت داشته باشیم» (خانم ۲۹ ساله، مدت ازدواج ۵ سال).

ه- تصمیم‌گیری مستقلانه و اشتراکی

دو موضوع درباره‌ی سبک تصمیم‌گیری منجر به رضایت زناشویی زنان گزارش شد. اول، تصمیم‌گیری اشتراکی و عمل به عنوان تیم. دوم، تصمیم‌گیری مستقلانه‌ی زوجین و جلوگیری از دخالت دیگران در تصمیمات خانوادگی.

• تصمیم‌گیری مستقلانه و اشتراکی: «ما تو کارایی که می‌خوایم بکنیم خودمون تصمیم گیرنده هستیم... دیگه اینکه ایشون چون به رابطه‌ی خودش و خودم فکر می‌کنه، نمی‌ذاره که دیگران بخوان تو زندگی ما دخالت بکنن و اینم یه عامل مؤثر دیگه هستش که رو تداوم زندگی اثر می‌ذاره...» (خانم ۳۵ ساله، مدت ازدواج ۱۱ سال).

۳-۴- والد شدن

برخی از مصاحبه شونده‌گان بیان کردند که داشتن فرزند به رضایت‌مندی بیشتر در رابطه‌ی زناشویی آنها منجر شده است.

• حضور فرزند: وقتی که [پسرمن] تو زندگیمون اومد، همه چی عوض شد... مهر و محبتمون بیشتر شد، برخلاف تصویری که می‌گن شاید بچه فاصله بندازه. اوایل واقعاً می‌ترسیدم. از این قضیه به شوهرم می‌گفتم اون می‌گفت دست خودمونه برا چی این جور بشه. (خانم ۳۰ ساله با مدت ازدواج ۱۰ سال)

این رضایت‌مندی به ویژه زمانی نمود دارد که شوهر در امور بچه‌داری مشارکت کند و از نارضایتی ناشی از فشار نقش جلوگیری کند.

• همکاری و مشارکت: همسرم وقتی پسرمن به دنیا اومد خیلی با من همکاری می‌کرد و می‌کنه بعضی موقع‌ها می‌گه من بچه رو نگه می‌دارم تو درستو بخون... بچه‌دار شدن ما با اینکه هم‌زمان با ارشدم بود لحظه لحظش خوب بود به خاطر اینکه می‌دیدم که همسرم خیلی باهام همکاری می‌کرد». (خانم ۲۷ ساله، مدت ازدواج ۵ سال)

۴-۴- مدیریت مالی و اقتصادی

دو موضوع مهم مالی به عنوان عامل رضایت زناشویی گزارش شد؛ اول، وحدت مالی، یعنی فقدان حساب مالی جداگانه و جدل بر سر «مال من، مال شما». در این شرایط «ما» جای «من» را می‌گیرد. دوم، داشتن برنامه‌ی مالی مناسب که به دستاوردهایی برای خانواده بیانجامد و هر دو بر آن توافق کنند.

مطالعه‌ی پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج

• **وحدت مالی:** «من خودم هیچ وقت از نظر مالی خودمو جدای از همسرم ندیدم. اعتقاد ندارم که خرج زندگی فقط با شوهره. زن برا خودش پول دربیاره. ما پولامونو با هم خرج می‌کنیم از اولم این حرفا رو نداشتیم... من تجربه این اختلافای مادی رو از پدر و مادرم گرفتم و نمی‌خواستم تکرار بشه». (خانم ۳۵ ساله، مدت ازدواج ۱۰ سال).

• **برنامه‌ی مالی مناسب:** «خیلی آدم آینده‌نگری هست. برای آینده برنامه‌ریزی داره. این جور نیست که شم اقتصادی نداشته باشه. خداروشکر تو این ۶ سالی که ازدواج کردیم به هر چی خواستیم رسیدیم. روز اول نه خونه داشتیم نه ماشین، اما با آینده‌نگری و برنامه‌ریزی ایشون تونستیم» (خانم ۳۱ ساله، مدت ازدواج ۶ سال و نیم).

۴-۵- روابط با اقوام و آشنایان

همان‌طوری که بر اساس پیشینه‌ی موضوع رضایت زناشویی انتظار می‌رفت، رابطه‌ی مناسب با خانواده‌های پدری و فقدان تعارض با آنها به عنوان یکی از عوامل رضایت‌مندی گزارش شد. به علاوه، رابطه‌ی مناسب با خویشاوندان و داشتن جایگاه اجتماعی سبب رضایت می‌شود.

• **رابطه‌ی مناسب با خانواده‌ی اصلی:** سبک ارتباطی همسرم با مامانم دوست دارم، اینکه با همه خیلی خوبه ولی با حد و مرز، اجازه نمی‌ده به بی‌احترامی کشیده بشه... رابطه‌ی همسرم با خانواده‌ی من و رابطه‌ی من با خانواده‌ی همسرم خوبه و ما همیشه سعی می‌کنیم انصاف رو رعایت کنیم... ما فکر نمی‌کنیم که خانواده من هستند یا خانواده شوهرم» (خانم ۳۳ ساله، مدت ازدواج ۸ سال).

رابطه‌ی مثبت با اقوام: «هدف ما اینه که برای خانواده‌ی اطرافیان، فامیل هر کاری از دستمون بریاد انجام بدیم. انگیزه‌ی هر دو مون این هست که اگر گره از کار کسی برداریم خدا گره از کار ما برمی‌داره... ایشون هر کاری از دستش بر بیاد برای هر کسی انجام می‌ده». (خانم ۳۵ ساله، مدت ازدواج ۱۴ سال).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی پدیدارشناختی عوامل رضایت زناشویی زنان بود. بدین منظور، زنان رضایتمند با استفاده از روش مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار مطالعه شدند. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها به پیدایش پنج مقوله‌ی اصلی انجامید که عبارت‌اند از: ویژگی‌های فردی شوهر (نظیر وفاداری و مسئولیت‌پذیری)؛ بسترهای رابطه‌ای (نظیر صمیمیت، حل و فصل مناسب تعارضات، رضایت جنسی)؛ والد شدن؛ مدیریت مالی و در نهایت رابطه‌ی مناسب با اقوام و خانواده‌های اصلی.

ویژگی اصلی این پژوهش که آن را از بیشتر پژوهش‌های حوزه‌ی رضایت زناشویی دیگر متمایز می‌کند، اتخاذ رویکرد پدیدارشناختی و بررسی موضوع از دیدگاه افراد درگیر در موضوع پژوهش بود. علی‌رغم تأکید روزافزون بر پدیدارشناسی در مباحث نظری مشاوره و روان‌درمانی، بیشتر پژوهش‌های این حوزه با رویکردی پژوهشگرمحور و کمی انجام شده است، در حالی که پژوهش‌های کیفی بررسی‌کننده‌ی دیدگاه‌ها و تجربیات ذهنی افراد درباره‌ی رضایت زناشویی و سایر موضوعات روان‌شناختی می‌تواند اطلاعات غنی‌تر و موثقی‌تر در اختیار پژوهشگران و متخصصان

بالینی قرار دهد. البته مقصود، کم ارزش تلقی کردن تلاش‌های کمی نیست، بلکه تأکید بر توجه بیشتر به پژوهشی کیفی است، به ویژه با لحاظ کردن این مطلب که قسمت اعظم مفاهیم حوزه‌ی مشاوره، بار فرهنگی-اجتماعی دارند که در رویکرد کیفی بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد.

واضح است که عوامل متعددی می‌توانند در شکل‌گیری یک ازدواج سالم مؤثر باشند. وقتی ازدواج رضایتمند و سالم باشد، عملکردها و نقش‌ها به خوبی ایفا می‌شوند، طرفین می‌توانند با مسائل و مشکلات احتمالی به شیوه‌ی صحیح برخورد کنند، در جهت ارتقای سلامت و بهزیستی فردی و اجتماعی حرکت کنند و از انواع آسیب‌ها دور باشند (Carr, 2006 ; Scott, 2006). مرور کلی یافته‌ها حاکی از این است که تقریباً تمامی یافته‌ها به نحوی در پژوهش‌های پیشین اشاره شده است. آنچه با توجه به یافته‌های کنونی بحث کردنی است، ارتباط آنها با نظریه‌های رایج به کار رفته در مداخلات حوزه‌ی ازدواج است. بر اساس مضمون اول پژوهش، زوج‌هایی که مسئولیت‌پذیرند، به رابطه‌ی شان وفادارند، مذهبی و با ایمان هستند، اهل صداقت و راستی هستند و با تدبیر خود زمینه‌ی لازم را برای رشد و پیشرفت همسرشان فراهم می‌کنند، در زندگی زوجی موفق‌ترند و رضایت بیشتری دارند. این یافته با نتایج مطالعات متعددی مانند آماتو و چیدل^۱ (۲۰۰۰) و والتون و تاکوی^۲ (۲۰۱۰) همسوست.

1- Amato & Cheadle.

2- Walton & Takeuchi.

آنچه زنان در این پژوهش به عنوان عوامل رضایت‌مندی از ازدواج اشاره می‌کنند، در هیچ نظریه‌ی منفرد زوج‌درمانی یا خانواده‌درمانی نمی‌گنجد؛ برای مثال، رابطه‌ی مناسب با خانواده‌های پدری و خویشاوندان که زنان بر آنها تأکید کرده‌اند در نظریه‌های با رویکرد سیستمی و همچنین نظریه‌ی انتقال بین نسلی بوئن و به طور مشخص با مفاهیم تمایز یافتگی و مرز توصیف شده‌اند. عوامل رابطه‌ای زن و شوهری نظیر صمیمیت و مهارت‌های حل تعارض در نظریه‌هایی همچون زوج‌درمانی هیجان‌مدار و رویکرد شناختی- رفتاری تأکید شده‌اند، اما آنچه مستلزم بحث بیشتری است، ویژگی‌های فردی اشاره شده به عنوان عوامل اثرگذار در رضایت زناشویی است.

مقوله‌ی محوری دیگر این پژوهش به ویژگی‌های رابطه‌ای و کیفیت تعاملات زوج مربوط می‌شود. یافته‌ها دلالت بر این واقعیت داشت که هر چقدر زن و شوهر قدردان یکدیگر باشند، نسبت به هم گذشت و رفتارهای عطف‌آمیز داشته باشند، همسانی و اشتراکات خانوادگی و مذهبی بیشتری داشته باشند، به روابط جنسی خود اهمیت دهند، توانایی حل تعارض داشته و در زندگی اهل قناعت باشند، رضایت بالاتری را در ازدواج خود تجربه می‌کنند. این یافته‌ها نیز با نتایج مطالعات مختلفی همچون (نظیر والتون و تاکوچی (۲۰۱۰)، پارکر^۱ (۲۰۰۰) و آماتو (۲۰۰۰) همسوست. آنچه در یافته‌های پژوهش کنونی مشاهده می‌شود مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی است که بیشتر از اینکه در رابطه توضیح دادنی باشد، در بافت تاریخی‌چهی

1- Parker.

کل زندگی فرد معنا می‌یابد. ویژگی‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری، وفاداری، مقبولیت، گذشت، آینده‌نگری، هدف‌مندی و نظایر اینها که زنان مصاحبه شونده گزارش دادند، ویژگی‌هایی هستند که می‌توان آنها را فضائل فردی تلقی کرد.

اینها در مباحث نظری و عملی حوزه‌ی مشاوره توجه چندانی دریافت نکرده‌اند. به نظر می‌رسد تأکید بیش از حد بر روش‌های مهارت‌محور و حل مسئله‌ی مربوط به واحد دوتایی، به ستون اصلی بیشتر روش‌های مداخله‌ای تبدیل شده و مجال زیادی برای این‌گونه ویژگی‌های فردی باقی نگذاشته است. البته، این امر بیشتر در حوزه‌ی نظری مصداق دارد که جهت‌دهنده‌ی مداخلات عملی هستند. در حوزه‌ی پژوهشی، تلاش‌های زیادی در مطالعه‌ی اثرات ویژگی‌های شخصیتی به ویژه پنج عامل بزرگ شخصیتی در پیامدهای زناشویی انجام شده است. با این حال، متغیرهای فردی هنوز در مقایسه با متغیرهای تعاملی جایگاه چندانی در عرصه‌ی نظری و عملی مداخلات زوجی نیافته است.

مضمون سوم پژوهش نشان داد، هنگامی که زوج نقش جدید والد بودن را بر عهده می‌گیرند و با حضور بچه‌ی خانواده هسته‌ای شکل پیدا می‌کند، مشارکت و همکاری بین زن و مرد بیشتر می‌شود و این به نزدیکی و رضایت بیشتر آنها منجر می‌شود. این رضایت‌مندی به ویژه زمانی نمود پیدا کرده است که شوهر در امور بچه‌داری مشارکت کند و از نارضایتی ناشی از فشار نقش جلوگیری کند. این نتیجه نیز به شکل کلی با نتایج پژوهش‌های (گاتمن

و نوتاریوس (۲۰۰۲)، مک‌نولتی و کارنی (۲۰۰۴)، فاطیما و اجمل (۲۰۱۲)، پارکر (۲۰۰۰) و آمانو (۲۰۰۰) همخوانی دارد و اهمیت و کارکرد مؤثر شکل‌گیری نقش والدینی و تجارب مرتبط با آن را بیان می‌کند.

مضمون بعدی به شیوه‌ی مدیریت صحیح مسائل مالی و اقتصادی در زندگی زوج مربوط می‌شد. طبق این یافته، زوج‌هایی که عاملی به نام وحدت مالی دارند، یعنی فاقد حساب مالی جداگانه و جر و بحث راجع به «پول من» و «پول تو» در تعاملات خود باشند و از سوی دیگر در چارچوب زندگی خود برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مالی مناسبی داشته و به گونه‌ای بر این برنامه توافق داشته باشد، زوج فضای بیشتری را برای احساس همکاری و تحکیم هویت زوجی خود ایجاد می‌کنند.

مضمون پایانی پژوهش حاضر به روابط مؤثر زوج با اقوام و آشنایان مربوط می‌شد. بر خورداری زوج از این شبکه‌های حمایتی، می‌تواند در مواقع لزوم در کمک به آنها برای حل بهتر مسائل مختلف سودمند واقع شود و فرصت حضور بیشتر در کنار دیگران و بهره بردن از مزایای روابط اجتماعی سالم را ایجاد کند (Boyer, 2006: 291-345). بر این اساس، هر چه زوج روابط گرم و صمیمانه‌ای با خانواده‌ی اصلی خود و همسرشان داشته باشند، با اقوام خود رفت و آمد کنند و شبکه‌های حمایتی دوستان و همکاران بیشتری داشته باشند و یا ادراک حمایتی بیشتری از سوی همسر، خانواده، آشنایان و همکاران خود داشته باشند، رضایت بالاتری از ازدواج تجربه می‌کنند.

بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان بیان کرد که زنان، رضایت زناشویی را حاصل عوامل متعددی می‌دانند که می‌توان در مداخلات زوجی به ویژه غنی‌سازی روابط زناشویی از آنها بهره گرفت. پرداختن بیشتر به مفهوم فضیلت‌های اخلاقی و رفتاری در رابطه‌ی زناشویی، علاوه بر متغیرهای دیگر رایج می‌تواند به غنای بیشتر مداخلات و بهسازی روابط در ابعاد رفتاری، شناختی، عاطفی و نگرشی بیانجامد. به علاوه، از یافته‌های این پژوهش و کارهای مشابه دیگر می‌توان در مشاوره‌ی ازدواج مختص جنس استفاده کرد، یعنی ترویج رفتارها و ویژگی‌های خاصی برای هر جنس که می‌تواند به رضایت طرف دیگر بیانجامد. البته، پژوهش‌های متعدد دیگری هم لازم است تا عوامل رضایت از دیدگاه زنان و مردان، بیشتر شناسایی شود. با این حال پژوهش حاضر به نوبه‌ی خود با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ نمونه‌های مطالعه شده متعلق به شهر تهران بودند، لذا تعمیم این نتایج به سایر، مستلزم رعایت احتیاط است. از سوی دیگر رضایت از ازدواج از عوامل و متغیرهای بی‌شمار دیگری اثرپذیر است، که در این پژوهش ممکن است به دلیل ناآشنایی حاصل از تجارب افراد به آنها پرداخته نشده است.

این پژوهش اکتشافی بر اساس تجارب زیسته‌ی زوج‌های راضی از ازدواج به موضوع چگونگی شکل‌گیری رضامندی زوجی در بافت فرهنگی-اجتماعی ایران پرداخته است. یافته‌ها به خوبی نشان داد که در شکل‌گیری یک رابطه‌ی زناشویی رضایت‌بخش عوامل فردی، رابطه‌ای، والد شدن، مدیریت مالی و روابط گرم با اقوام و آشنایان نقش معناداری دارند که بیشتر از بافت

فرهنگی - اجتماعی ناشی می‌شوند. شناسایی این عوامل از طریق روش‌های کمی و ابزارهایی که فاقد حساسیت فرهنگی هستند، دور از دسترس بود. این یافته‌ها، از یک سو لزوم توجه بیش از پیش به مبانی فرهنگی، ارزشی و اجتماعی تأثیرگذار در رضایت از ازدواج را برای تمامی افرادی که در حوزه‌ی ازدواج و خانواده مشغول فعالیت هستند، یادآوری می‌کند. از سوی دیگر، یافته‌ها حاکی است که علاوه بر عواملی که متخصصان حوزه‌ی ازدواج به عنوان کانون توجه خویش برگزیده‌اند پرداختن جدی به موضوعات فراتر و فضیلت‌های انسانی در رابطه‌ی زناشویی اهمیت ویژه‌ای در حوزه‌های پژوهشی و مداخله‌ای دارد و لازم است این موضوعات به عنوان عوامل پراهمیت اثرگذار در کیفیت روابط زناشویی جایگاه خود را در حوزه‌ی مداخله و پژوهش پیدا کنند.

منابع

- ◀ محسن زاده، فرشاد. بررسی عوامل شکست ازدواج‌های سستی و غیر سستی در بافت فرهنگی - اجتماعی (مطالعه کیفی)، (رساله‌ی دکتری دانشگاه خوارزمی تهران) (۱۳۸۹).
- Amato, P. R., & Cheadle, J. E. «Parental Divorce, Marital Conflict and Children's Behavior Problems: A Comparison of Adopted and Biological Children», *Social Forces*, 86(3), (2008).
- Amato, P. R. "The consequences of divorce for adults and children", *Journal of Marriage and the Family*, 62, (2000).
- Bachand, L. L., & Caron, S. L. "Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages", *Contemporary Family Therapy*, 23, (2001).
- Boyer, T. "The development of risk-taking: A multi perspective re-

view”, *Developmental Review*, 26(3), (2006).

➤ Boykin, E. L. 2004. Successful Teenage Marriages: A Qualitative Study of How Some Couples Have Made it Work, Unpublished master’s thesis, the Virginia Polytechnic Institute and State University.

➤ Brock, R. L., & Lawrence, E. «A longitudinal investigation of stress spillover in marriage: Does spousal support adequacy buffer the effects?» *Journal of Family Psychology*, 22(1), (2008).

➤ Carr A. 2006. Family therapy: concept, process and practice. London: Wiley.

➤ Chen, J. Y., & Lim, S. “Factors impacting marital satisfaction among urban Mainland Chinese women: a qualitative study”, *Asia Pacific Journal of Counselling and Psychotherapy*. 3(2), (2012).

➤ DAHL, C. M. & BOSS, P. 2005. The Use of Phenomenology for Family Therapy Research. In S. Moon & D. Sprenkle (Eds.), *Research Methods in Family Therapy*. New York: Guilford Press.

➤ Dion, K. K., & Dion, K. L. «Individualistic and Collectivistic Perspectives on Gender and the Cultural Context of Love and Intimacy», *Journal of social issues*, 49(3), (1993).

➤ Dols, S. T., Alvarez, F. J., Aleixandre, N. L., Vidal-Infer, A., Rodrigo, M. J., & Valderrama, J.”Predictors of driving after alcohol and drug use among adolescents in Valencia (Spain)”. *Journal of Accident Analysis and Prevention*, 42, (2010).

➤ Dong, Z. Y., & Xiao, C. D. «The Influencing Factors of Marital Satisfactory for Middle-aged Adults». *Technoeconomics & Management Research*, 1, (2010).

- Fallu, J. S., Janosz, M., Briere, F. N., Descheneaux, A., Vitaro, F., Tremblay, R. E. Preventing disruptive boys from becoming heavy substance users during adolescence: A longitudinal study of familial and peer-related protective factors. *Addictive Behaviors*, 35(3), (2010).
- Fatima, M., & Ajmal, M. A. "Happy Marriage: A Qualitative study". *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2), (2012).
- Frost, N. 2011. *Qualitative research methods in psychology, Combining Core Approaches*. Maidenhead: Open University Press.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. «Marital research in the 20th century and a research agenda for 21th century». *Family Process*, 41(2), (2002).
- Greeff, A. P., & Malherbe, L. "Intimacy and marital satisfaction in spouses". *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27(3), (2001).
- Hall S. S. "Marital meaning: exploring young adults belief systems about marriage". *Journal of family issues*, 27, (2006).
- Hunler, O. S., & Gencoz, T. "The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction relationship". *Contemporary Family Therapy*, 27(1), (2005).
- Kamo, Y. «Determinants of marital satisfaction: A comparison of the United States and Japan». *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, (1993).
- Kaslow, F., & Robison J. A. "Long term satisfying marriage: perception of contributing factors", *the American journal of family therapy*, 24, (1996).
- Long, L. L., Young, M. E. «Counseling and Therapy for Couples».

Thomson: BROOKS/COL(2007).

➤ Markus, H. R., & Kitayama, S. "Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation", *Psychological Review*, 98, (1991).

➤ McNulty, J. K., & Karney, B. R. «Expectancy confirmation in appraisals of marital interactions». *Journal of Counseling Psychology* 51(1), (2004).

➤ Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. «Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice». *Journal of Counseling and Development*, 83, (2005).

➤ Nargiso, J. E., Becker, B., Wolff, J. C., Simon, V., Spirito, A., Prinstein, M. «Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample», *Journal of Substance Abuse Treatment*, 42, (2012).

➤ Nimitz, M. A. (2011). Satisfaction and Contribution Factors in Satisfying Long-Term Marriage: A Phenomenological Study, unpublished doctoral dissertation, Liberty University.

➤ Parker K. D. et al. "Life satisfaction self-esteem and personal happiness among Mexican and African American", *sociological spectrum*, 15, (1995).

➤ Parker, R. "How partners in long-term relationships view marriage". *Family Matter*, No 55, (2000).

➤ Petty, B. D. "Developing the Art of Becoming a Couple: A Grounded Theory Study of the Positive Influence of Married and Loving It!", *The Qualitative Report*, 15(5), (2010).

- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. «Religiosity, Homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages», *Journal of Family Issues*, 33, (2012).
- Scott J. 2006 . Family and Gender Roles: how attitudes are changing. Genet Working Paper.
- Stoeber, J., & Stoeber, F. S. Domain of perfectionism: Prevalence and relationships with perfectionism, perfectionism, gender, age and satisfaction with life. *Personality and Individual Differences*, 46(4), (2009).
- Ulker, A. «Mental health and life satisfaction of young Australians: The role of family background», *Australian Economic Papers*, 2, (2008).
- Waite, L. J., & Gallagher, M. 2000. *The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially*. New York: Doubleday.
- Walton, E., & Takeuchi, D. T. “Family Structure, Family Processes, and Well-Being Among Asian Americans: Considering Gender and Nativity”, *Journal of Family Issues*, 31(3), (2010).